

بسمه تعالی



گزارش چکیده پایان نامه / رساله
فارسی و انگلیسی

دانشگاه خوزستان

1401/11/30	تاریخ دفاع:	کارشناسی ارشد	مقطع تحصیلی:	حقوق خصوصی	رشته تحصیلی:	نصرت الله نبی زاده	نام و نام خانوادگی دانشجو:
		دکتر سودابه رضوانی	نام استاد/ اساتید داور	دکتر محمد قاسم تنگستانی	نام استاد مشاور	دکتر مریم غنی زاده بافقی	نام استاد راهنما
بررسی و وضعیت حقوقی زنان در افغانستان با تأکید بر کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان							عنوان پایان نامه / ساله:
<p>یکی از موضوعات اصلی در توسعه‌های جامعه‌ای انسانی زنان، میزان بهره‌گیری صحیح از توانمندی‌ها و استعدادهای فطری و کسبی نیروی انسانی جامعه است. مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و... یکی از شاخص‌های تولید کشور محسوب می‌شود. با این حال، همواره در طول تاریخ افغانستان زنان و فعالیت‌های زنان دارای چالش‌های فراوانی بوده است و هم‌اکنون نیز در ارتباط با مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی، فاصله زیادی میان موقعیت زنان کشور افغانستان با جامعه بین‌المللی و دیگر جوامع وجود دارد. یکی از مهم‌ترین راهبردها، توانمندسازی زنان با تأکید بر این نکته است که مشارکت زنان صرفاً به مفهوم بهره‌مندی آنان از مزایا و نتایج برنامه‌های توسعه نیست، بلکه آنان باید در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه، مشارکت فعال داشته باشند. بنابراین در آغاز باید راهکارهای مجاب ساختن ساختار سیاسی برای این که بتواند قواعد حقوقی مبتنی بر تساوی حقوق و آزادی‌های زنان را ایجاد کند، بررسی شوند. دولت و جامعه مدنی در اعتلا نقش زنان در مشارکت سیاسی نقش مهمی دارد. بعد از سال 1380 تا اکنون جامعه جهانی با تبنی دولت حاکم در افغانستان و با تصویب ده‌ها قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی من جمله بر کنوانسیون حقوق زنان تلاش‌های نهایی و بهینه به خرج دادن که بتواند جایگاهی بشری و انسانی زنان در افغانستان تصویب و به رسمیت بشناسند تا بتواند زنان در تمام ابعاد حیات خود به حیث یک انسان کامل مورد احترام توسط سایر انسان‌ها شناخته شده و ادامه حیات به سر</p>							بیان مسئله:

حالا کیفیت و نوع مشارکت سیاسی شهروندان، از عوامل گوناگونی نظیر تحصیلات، فرهنگ سیاسی، آگاهی سیاسی، تعلیم و تربیت، سواد، رسانه ای، نوع نظام سیاسی، زمینه های عقیدتی، ارزشی، فکری و رفتاری متأثر است که به نظر می رسد یکی از اصلی ترین این عوامل، میزان استیفای حقوق شهروندی است. نیروی عظیم زنان علاوه بر این که به عنوان نقش همسری مادری بر جامعه تأثیر به سزایی دارند، با انجام فعالیت ها و تعاملات اجتماعی و فرهنگی نیز نقش مؤثری در جامعه می توانند داشته باشند. در عین حال، تاریخ افغانستان گویای آن است که قوانین تبعیض آمیز علیه زنان همیشه مانع مشارکت زنان بوده است. حضور کم رنگ زنان در برنامه صلح در افغانستان گویای آن است که مطالبات زنان در روند گفتگوهای صلح با جدیت مطرح نخواهد بود. خشونت علیه زنان از نگرانی های گروه های مدافع حقوق زنان و جامعه جهانی در افغانستان است ظرفیت حکومت افغانستان برای مقابله و برخورد با مشکلاتی چون خشونت علیه زنان به دلیل فقدان امنیت محدود بوده که می تواند حقوق زنان پس از ورود طالبان به بدنه حکومت را با مشکل مواجه کند.

بزرگترین چالش پیش روی زنان افغانستان عدم وجود امنیت، سنت ها و مرد سالاری و زن ستیزی در اندیشه طالبان است. افغانستان در یک دهه گذشته پیشرفت هایی در عرصه قانون گذاری و ایجاد چارچوب های سیاستگذاری برای تعیین مقررات رعایت حقوق زنان که مطابق با معیارهای جهانی نیز باشد، داشته که مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در برخی حوزه ها افزایش یافته است. امروزه بررسی وضعیت مشارکت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی حتی آموزشی زنان افغان بالاخص نقش زنان تحصیل کرده و دانش آموزان در نظام جدید افغانستان دارای اهمیت است. از موضوعات چالش برانگیز میان طالبان و سایر گروه های افغانستان، موضوع زن و نقش او در جامعه است. موضع طالبان در برابر زنان ریشه در باورهای سنتی و تبعیض آمیز آنان به جایگاه زنان دارد که او را از نظر کرامت انسانی برابر با مرد نمی دانند. طالبان از زمان پیدایش در سال های پیش از یازدهم سپتامبر تا به امروز، هیچ نقشی برای زنان قایل نشده و هیچ طرحی برای سهم دادن به آنان نداشته اند. این در حالی است که رشد و توسعه ی یک جامعه بدون مشارکت زنان ممکن نیست. یکی از موانع مشارکت فعالانه ی زنان در سیاست، عوامل اقتصادی، و اجتماعی، و فرهنگی است. فعالیت در عرصه ی سیاست بدون داشتن منابع مالی و تجارب سیاسی امکان پذیر نخواهد بود. تفکر طالبانی، به لحاظ حقوقی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی همان ویژه گی های فرادستی، فرودستی مردان و

زنان را بازتولید می کند. باورهای سنتی طالبان با تقسیم کار و محول نمودن انجام امور خانه به زنان، عملاً به نوعی، سبب سلب فرصت مشارکت برابر زنان را فراهم آورده و به تدریج به صورت یک نهاده ذهنی در آمده است که مطابق آن، الگوهای رفتاری متناسب با همان ارزش ها را به زنان ارائه می دهد. شاید بتوان گفت که افزون بر کاستی ها و کژی های اجتماعی، خود زنان نیز در جامعه ی افغانستان به دلیل شرایط حاکم بر جامعه در بازپروراندن و تقویت فراتری مردان و فروتری زنان نقش دارند. عدم استفاده از قابلیت ها و توانمندی های زنان بر اساس شاخص های آموزشی و سلامت در مشارکت اقتصادی و سیاسی، پایین بودن سهم زنان در پست های مدیریتی و تصمیم گیری در سطوح بالا در مقایسه با سایر کشورها و سهم اندک آنان در قانونگذاری، تصمیم سازی و سیاستگذاری کلان کشور، نابرابری فرصت های شغلی برای زنان و مردان و نادیده گرفتن کیفیت سرمایه انسانی زنان در بخش های مختلف از این جمله اند.

لذا با توجه به رسالت و اهمیت نقش زنان در آینده سیاسی افغانستان باید به مقوله توانمندسازی زنان توجه جدی شود.

در حالیکه حکومت گذشته ای افغانستان بر اساس یکسان سازی قوانین و معیار ها مطابق قانون اساسی پارلمان کشور ده ها قوانین را تصویب کرده و تقریباً همه ای کنوانسیون های حقوق بشری و حقوق زنان را کما حقو به تصویب رسانده بود و یا عضویت آن را کسب کرده بود اما با سقوط برق آسای جمهوریت و ظهور مجدد گروه طالبان نه تنها نظام قبلی از بین رفت بلکه همه ای قوانین به شمول قانون اساسی لغو اعلان شد و تقریباً همه ای تعهدات قبلی افغانستان تا این دم به حالت تعلیق قرار دارد و از حقوق بشری شهروندان هیچ خبری در میان نیست ظاهراً به زنان و مردان حقوق را بر اساس آموزه های دینی بر اساس قرایت خود از دین اسلام میدهند ما در این تحقیق به شکل تطبیقی حقوق زنان را به بررسی میگیریم.

در حالیکه با تصویب کنوانسیون حقوق زنان و قوانین مربوطه یک سلسله مکلفیت های اساسی به جانب حکومت افغانستان حواله شده که تا تمام مواد توافق شده را کما حقو اجرا کنند و با ناقصین آن ها برخورد جدی کند و از زنان آسیب پذیر حمایت همه جانبه صورت بگیرد در ضمن افغانستان اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین را نیز امضا و تصویب کرده است ولی با تغییر و تبدیل زودی نظام ها باعث قربانی

<p>انسان ها به خصوص زنان شده است.</p>	
<p>تحقیق حاضر به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته در تهیه مطالب از ابزار کتابخانه ای استفاده شده است و در هر موضوع، پس از مطالعه قوانین افغانستان؛ کنوانسیون حقوق زنان مورد بررسی قرار گرفته است.</p>	<p>روش پژوهش:</p>
<p style="text-align: center;">سوال اصلی</p> <p>1. وضعیت حقوق زنان در افغانستان با توجه به الحاق به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان چگونه ارزیابی می شود؟</p> <p style="text-align: center;">سوالات فرعی</p> <p>1: در زمینه حقوق زنان در چه مواردی قوانین افغانستان با کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان تعارض دارد؟</p> <p>2: زمینه های مناسب برای اجرای مفاد کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در افغانستان ایجاد شده؟</p> <p>3: کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان چه تاثیری بر عملکرد نظام قانونگذاری افغانستان داشته است؟</p> <p>4. علت بحران قانون گذاری در افغانستان چیست و چه تاثیری بر حقوق زنان دارد؟</p> <p style="text-align: center;">فرضیه های پژوهش</p> <p style="text-align: center;">فرضیه اصلی</p> <p>به نظر میرسد که در افغانستان اراده ای سیاسی و حقوقی مقامات از دیر زمانی زمینه های اصلی و فرعی را برای تصویب و اجرای کنوانسیون حقوق زنان مد نظر داشته اند ولی جنگ های داخلی و مداخله کشور های مراجع ذیصلاح را از این امر باز داشته بوده و ظاهراً با ظهور حکومت قانونی از بن آلمان به این طرف به فکر این امر افتادند.</p> <p style="text-align: center;">فرضیه های فرعی</p> <p>به نظر میرسد که سلسله مراتب قوانین در تمام کشور ها اصلاً انکار نا پذیر است به خصوص به کشور های که قانون اساسی متنی دارند، ظاهراً ماده 2، 3، 130 و 131 به خصوص ماده سوم قانون اساسی افغانستان</p>	<p>سئوال و فرضیه تحقیق:</p>

<p>بیان کرده که هیچ قانونی نمی تواند مخالف ارزش های اسلامی باشد. بناً هر موارد که بر اساس تشخیص مرجع ذیصلاح خلاف قانون اساسی باشد مردود است.</p> <p>افغانستان بعد از کنفرانس بن آلمان وارد مرحله جدید سیاسی و حقوقی شد و با یک سلسله تعهدات ملی و بین المللی با تصوب قانون اساسی جدید و سایر قوانین وارد میدان سیاست شد که من جمله عضویت افغانستان به منع تبعیض علیه زنان و منع خشونت علیه زنان روی دست گرفتن بعد از تشریفات الحاق تمام قوانین را بر اساس مفاد کنوانسیون های فوق و ارزش های حاکم در افغانستان تصویب کردند و این از جمله اثرات فوق العاده کنوانسیون در خصوص زنان بود.</p> <p>بر اساس تعهدات دولت افغانستان برای حمایت از حقوق زنان و اجرای مفاد کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان نهاد های معبر و مستقلی را ایجاد کرده است و بازسازکار های معین باید کار شیوه های مورد قبول همه تعهدات و ارزش های حاکم حقوق زنان را اجرا کنند که میتواند به عنوان مثال نام برد:</p> <p>کمیسیون مستقل حقوق بشر، کمیته جامعه مدنی، دفتر زنان برای زنان</p> <p>افغانستان طی ۹۰ سال تجربه لغو هشت قانون اساسی و صد ها قوانین عادی را در تاریخ خود دارد بنا معلوم است که در نبود ثبات قانون در افغانستان حقوق همه انسان به خصوص زنان از حقوق انسانی خود محروم بودند که در لابلای این تحقیق به شکل مفصل بحث خواهم کرد.</p>	
<p>به شکل تحلیلی - توصیفی و کتابخانه ای می باشد که شامل مقالات - جزوه های آموزشی از ایران و افغانستان بوده که به شکل تطبیقی صورت گرفته است. از نقاط قوت و ضعف موضوع مطرح شده در امور افغانستان و ایران پیدا کردم و در اخیر از پیشنهادات مقبول و مناسب را در غنامندی موضوع بیان کردم در غنامندی توصیف حقوق زنان در امور بین المللی و ملی استفاده عظیمی نمودم تا اینکه یک موضوع مهم و اساسی بود که من بالای آن تحقیقی را انجام دادم.</p>	<p>روند پژوهش:</p>
<p>در حالیکه افغانستان بعد از کنفرانس بن به تصویب قانون اساسی و تمام معیارها و ارزش های جهانی به عنوان جز جامعه بشری حرمت گذاشته آنها را مورد حمایت قرار داده است در اصل (ماده ۷) قانون اساسی افغانستان را موظف به رعایت و حمایت از میثاق ها و معاهدات و اعلامیه جهانی حقوق بشر کرده است.</p>	<p>مهمترین یافته ها:</p>

تأیید استاد راهنما



۱۳۹۸/۸/۲۳